نامه فرش

انجمن ملی فرش ایران

ویژه نامه جشنواره فرهنگی ، هنری فرش

شماره دوم - اردیبهشت ۸۷

به نام آفرینشگر هنر و اندیشه

و همیشه فرش را پاس خواهیم داشت

فرش دستباف ایرانی از مظاهر دیرپا، پویا و ماندگار فرهنگی و هنری ایران و ایرانیان است که با الهام از روح لطیف و ذوق شیرین طراحان مبتکر به صورت نقش و نگاری آسمانی و جاودانه پدید می آید و با سر انگشت هنرمندانه استادان و بافندگان این مرز و بوم جان می گیرد و چون عروسی بدیع و دلپذیر رخ می نماید.

فرش ایرانی، هنری است دیرآشنا که ظرافت تصویر را با دقت معنا در هم آمیخته و آمیزه ای از زیبایی نگاره ها و عمق معنا را به نمایش می گذارد و صنعتی است زنده و کارآمد که با زندگی بسیاری از مردمان این آب و خاک عجین شده و چشم دولتمردان پس از نفت بدان خیره بوده است.

فرش، هنر و صنعت ملی و ریشه دار همیشه تاریخ ماست و طبیعت اصیل، زیبایی و جاذبه های نیرومند آن و دستان پرتوان آفرینندگانی که آثار ماندگارشان زینت بخش نمایشگاه ها و گنجینه ها ی جهان است، برای جهانیان ارزشمند و ستودنی است.

طرحها و نقوش اصیل و جذاب فرش ایران در طول سده های گذشته از زندگی ایرانیان و از فرهنگ، باورها و قومیتهای این دیار مایه گرفته و اندک اندک به تکامل رسیده است. بر پهنه گلستان توان آن است که نقشی از عشق را نا ظریم که چون پیچکی ناپیدا بر تار و پود طرفش پیچیده و یا عبور از هزارتوی زمان، جزئی از وجود شده است و این عشق عشقی است به میهن و تاریخ چند هزار ساله آن و همه آنچه که بر منظر تمام زنده اسطوره های این زاد و بوم یعنی " فرش ایران " هدیه است.

هنرمندان ایرانی، مرکب زرین تکام هنر را همواره تاریخ به عشوه گری در میدان مهارت به جولان درآورده و به همت انگشتان طرفه خویش و نقش و نگارهای بر گرفته از خرمخانه ذوق ایرانیان، نام فرش ایران را به آنگونه پرآوازه ساخته اند که چشم اعجاب اهل پنگه دنیا را خیره ساخته و می نوازد.

بر آن بوده و هستیم که در جشنواره فرهنگی، هنری فرش این فر شاهوار بنشسته بر نگین انگشتری تمدن ایرانی و اسلامی را که تنگاتنگ فرهنگ کهنسال این دیار از مرزهای تاریخ گذشته و به حال رسیده است پاس بداریم و بر این تلاش به خود می بالیم.

ایده پردازی این حرکت از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و اعلام آمادگی انجمن علمی فرش ایران در اجرای این مهم، پشتیبانی ارزشمند مرکز ملی فرش ایران، دانشگاه کاشان و شرکت سهامی فرش ایران را نیز در پی داشت و بدینسان قدم در مسیری نهادیم که دستاوردهای کنونی آن ما را به تداومش امیدوار ساخته است.

و می ماند شکر به درگاه خداوندگار مهربان، آقای نمیامی و احترام به همه آنانی که یاورمان بودند و امید به کامیابی ادامه دهندگان این راه.

دبیر جشنواره

قدمتان روی چشم

تا به حال شده یک عروس و داماد را پاکشا کنید یا به مجلس پاکشای یک عروس و داماد دعوت شوید؟ اگر نه فیلم "مهمان مامان" را که دیده اید!

توی این جور مجلس ها همه چیز از قبل آماده است. قالی ها جارو و قاب عکسها گردگیری شده. میوه ها هم چیده شده توی یک سینی پایه دار مسی. انواع شیرینی و تنقلات روی سیرهای مسلی و رومیزی های ترمه و پته زیر ظرفهای بلور و فجری.

در این جور مهمانی ها حتی اگر هوا روشن باشد و توی اتاق نور کافی داشته باشد، باز چراغها و دیوار کوبها را روشن می کنی که وقتی مهمانت از راه برسد، قدمش را درون نور بگذارد.

توی آشپزخانه، روی اجاق گاز پر است از قابلمه های کوچک و بزرگ خورش کرفس و قورمه سبزی و قیمه و قستجان و یک ظرف پر از زرشک و زعفران که وقتی مادر پلو را کشید و عطر برنج پیچید توی هوا، رویش را پر کند از زردی و سرخی زعفران و زرشک.

وقتی از حمام درآمدی و بهترین پیراهنت را پوشیدی و خوشبوترین عطرت را افشاندی به گونه و زیر گردنت، زنگ در خانه را می زنند و عروس و داماد تازه، پدر و مادر عروس خواهر و برادرهای داماد و ... تمام صحن حیاط را پر می کنند و خانه سرشار از همهمه یک عالمه آدمند که تو برای اولین بار پایشان را به خانه ات باز کرده ای.

دیگر مهم نیست که تا یکساعت پیش توی این خانه چه خبر بوده! گوشت گوسفندی بدون چربی و مرغ درشت و برنج فریدون کنار داشتی یا قرض گرفتی از همسایه ات!

دیگر اهمیت ندارد سر اینکه خاله بزرگ را دعوت نکرده ای و عموی کوچک را مهمان کرده ای چه دعوای مفصلی بین پدر و مادرت در گرفته و چه حرفها که نثار هم نکرده اند؟ حرفهای هزار سال پیش و کلایه های پیش از میلاد جد پدری ات دوباره سرباز کرده. اینکه خواهرت زنگ نزده یک خسته نباشید خشک و خالی بگوید و برادرت که یک جعبه نوشابه را ده تا پله بالا آورده هزار جور منت گذاشته ... و خیلی چیزهای دیگر که به خاطرش و قبل از آمدن مهمانان هزار بار بغضت را قورت داده ای و شاید گریه کرده ای!

جشنواره های ما مثل پاکشای همان عروس و دامادهای عزیزتر از جان مان است که به شوق آمدن و دید نشان حاضری هر گوشه و کنایه و بی پولی و مرارت را به جان بخری فقط به شوق یک چیز: اینکه مهمانی درست و به موقع و بدون هیچکدام از این بغض و کلایه ها و حرف و حدیث ها در نور و شور و سیب سرخ و کلاب برگزار شود.

حجم کاری زیاد و جیبهای بی پول، توقعات فراوان و اما و اگرهای بسیار، اختلاف سلیقه ها و گیر دادنهای الکی ... هیچ یک مهم نیست. فقط جشنواره باید به خوبی برگزار شود.

و شما تنها به یک چیز فکر کنید!

اینکه لباسهایتان را اتو بکشید، یقه پیراهنتان را آهار بزنید و کفشهایتان را حسابی واکس بمالید و براق کنید. به شوق یک مهمانی مهم که در پیش است.

یک مهمانی ایرانی بر بساط فرش دستباف ایرانی.

طی کردن مسیری طولانی در زمانی فشرده

از **دکتر امیرحسین چیت سازیان** که رییس انجمن علمی فرش ایران و عضو شورای سیاستگذاری جشنواره است، خواستیم تا در فرصتی محدود چند سطری را در باب این رویداد به نگارش درآورد که حاصل آن پیش روی شماست:

فرش به عنوان نماد هویت فنی و هنری این مرز و بوم، عنصری اساسی در شناسنامه فرهنگی ایران است که در عین حال در طی عصرها و دوران های مختلف تاریخی زبان گویای هنرمندان گمنام دیار ما بوده است. فرش در عرصه زندگی بشر کارکردهای متعددی را داراست. از یک سو به عنوان زیر اندازی مناسب و یا جزیی از ملزومات روزمره او به نیازهای زیستی انسان پاسخ می دهد و از سوی دیگر با عرضه طرحی از آرمان بهشت و باغ و جنت رضوان و آوردن بهار طبیعت به خانه های مردم به نیاز روحی و حس زیبایی شناسی آنها جوابی در خور ارایه می کند.

در ورای این کارکردها، زمینه های بروز خلاقیت و استعدادهای فنی و هنری جمعی از جامعه را فراهم می سازد که به تبع آن بخشی از مشکل اشتغال با گستره فراخ مشاغل ذیربط از تهیه مواد اولیه گرفته تا طرح و نقش انداختن و رنگرزی و آماده سازی عناصر برای فرایند بافت و سپس مرحله بافندگی و پس از آن ورود به بازار و عرصه بازرگانی داخلی و خارجی مرتفع می شود. کارکردهای نهان این هنر صناعی را نیز به این موارد باید افزود که خود بحث جداگانه ای را می طلبد.

این همه گویای آن است که فرش دستباف، هنری چند بعدی و بسیار با اهمیت است که با عرصه های گوناگون هنرهای سنتی و کاربردی ایران اسلامی پیوند داشته و برای حفظ و حراست از این میراث فرهنگی دیرپا وصلتی هم با هنرهای کاربردی جدید و عرصه های دانشی باید برقرار کند.

این مهم با ورود فرش به صحنه آموزش عالی کشور از سال ۷۵ و ۱۳۷۴ که وزارت علوم با پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی فرش در دانشگاه کاشان موافقت نمود، وارد مرحله ای مبارک شد که پس از آن چند دانشگاه دیگر نیز به این حرکت پیوستند.

انجمن علمی فرش ایران نیز در پی این نهضت جدید و با هدف تقویت مبانی علمی، آموزشی و تحقیقاتی فرش و ایجاد هماهنگی در بین نهادهای آموزشی و تحقیقاتی ذیربط تاسیس شد و ارتقای هنر دیرین فرش دستباف را آویزه برنامه های خویش قرار داد که از سال ۱۳۸۱ تا کنون بی وقفه در این تلاش است.

از جمله فعالیت های لازم در انجمن تشکیل هسته دانشجویی برای ایجاد شور و نشاط و حرکت و پویایی در بین دانشجویان رشته فرش بوده که خود زمینه بروز خلاقیت ها و آفرینش های هنری مورد نیاز و دستاوردهای علمی و هنری دیگر در این زمینه را فراهم می کند.

اولین و دومین همایش سراسری دانشجویان و دانش آموختگان فرش کشور با همین هدف در سالهای ۸۳ و ۸۵ به ترتیب در تهران و تبریز برگزار شد که دستاورد آن تثبیت روحیه خودباوری و توانمندی و نیز عرضه آثار مناسب به جامعه فرش توسط دانشجویان و دانش آموختگان بود و آموزش عالی فرش در جامعه به عنوان یک واقعیت معرفی شد.

این بار نوبت آن بود که افزون بر دانشجویان فرش، این هنر ارزشمند بتواند از نگاه، فکر، خلاقیت و نوآوری دانشجویان سایر رشته های دانشگاهی آن هم در هر مقطع و سطحی از تحصیلات بهره مند شود که با پیشنهاد اداره کل امور فرهنگی وزارت علوم تمهید و پیگیری این مهم بر عهده انجمن علمی فرش ایران قرار گرفت.

"جشنواره فرهنگی، هنری فرش" در سال گذشته و سطح ملی و برای همه دانشگاه ها برنامه ریزی شد و در نهایت کاشان که از زادگاه های اصلی این هنر دیرپای ایرانی است میزبانی جشنواره را آن هم در مقدمه جشن گل در ایام اردیبهشت ماه پذیرفت تا در محل تاسیس نخستین دوره کارشناسی فرش ایران - دانشگاه کاشان - این رویداد گرانسنگ هنری رقم زده شود.

مسیری طولانی در فعالیت اما فشرده در زمان توسط اعضای دبیرخانه و همکاران جشنواره طی شد اما حمایت نهادها و موسساتی همچون مرکز ملی فرش ایران، دانشگاه کاشان و شرکت سهامی فرش ایران در کنار بذل توجه و مساعی خبرنگاران و مسوولان رسانه های جمعی از صدا و سیما گرفته تا خبرگزاری ها و مطبوعات، دلگرمی برگزار کنندگان چه در انجمن علمی فرش ایران و چه در مدیریت فرهنگی وزارت علوم و دانشگاه کاشان را دو چندان کرد.

به لک لک عزیزان دبیرخانه و ستاد اجرایی در تهران و کاشان دست مریزاد گفته و از مسوولان و روسای محترم نهادهای همکار و میزبان صمیمانه قدر شناسی می کنم و آرزو دارم این زحمات در راستای استقلال فرهنگی و هنری میهن اسلامی و اعتلای نام ایران عزیز و هنرمندان خلاق و دلسوز فرش که گمنام و کم توقع این میراث ارزشمند را برای جامعه بشری حفظ و حراست می کنند، ماجور در نزد حضرت دوست باشد.

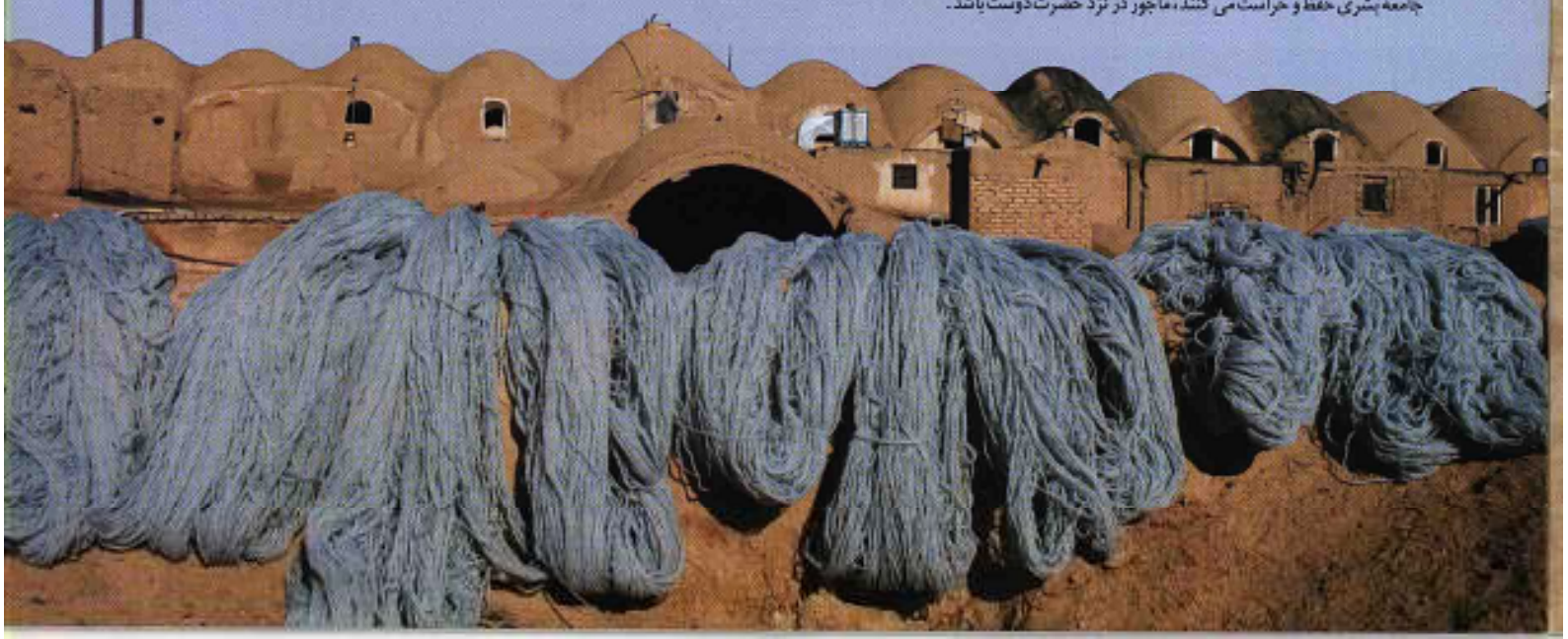

حرکتی در راستای نوآوری و شکوفایی

برپایی جشنواره‌ای گسترده و به یاد ماندنی در شهر تاریخی کاشان، جز به مدد نهادهای مختلف این شهر ممکن نمی نمود و خدای را شکر که کاشانیان برای مهمان نوازی پای در رکاب داشتند. فرماندار کاشان نیز از جمله آنانی بود که ما را به داشتن میزبانانی مهربان دلخوش کرد.

از برادر بزرگوارمان **حسینعلی حاجی** درباره کاشان، فرش، جشنواره و آمادگی این شهر برای میزبانی پرسیدیم که پاسخ های او را در پی می خوانیم:

توفیق الهی دست داد تا در گیر و دار برپایی جشنواره فرهنگی، هنری فرش دانشجویان کشور که به همت والای عزیزان قرار است در شهر باستانی و کهن کاشان برگزار شود خسته نباشید و دست مریزادی به شما عرض کنم.

امسال به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب سال "نوآوری و شکوفایی" است و اقدام شما از مصادیق بارز این عنوان حرکت آفرین و نشاط آور است، کاری که شاید سالهای سال است هنر و صنعت کهنسال فرش دستباف ایرانی و کاشانی چشم به راه و در انتظار آن بوده است.

فرش ایرانی به یقین هنری اصیل و بومی در این سرزمین کهن است که موجب اعتلای نام و فرهنگ ایرانی از فرش تا عرش شده است.

هنوز ارزشمند ترین و ارجمندترین مظاهر تمدن کهن ایرانی بلکه تمدن بشری در موزه های مختلف جهان، نمونه ای از فرش دستباف ایرانی است که قدمتی چند هزار ساله دارد.

فرش دستباف آمیزه‌ای از چند هنر است: طراحی، رنگ آمیزی، ریسندگی، بافندگی و ... که نهاده های هنری در آفرینش فرش، آینه هنرمندی و ذوق سرشار ایرانی است.

طراحی نقشه قالی در انواع گوناگون آن مثل ترنج و محراب، افشان، شکارگاه و عناوین دیگر از ظریفترین مظاهر هنری است.

رنگ آمیزی این نقشه ها نیز خود صحنه های گویای ذوق و قریحه استادان چیره دستی است که با آمیختن رنگ و نقش، بدیع ترین نمادها و تابلوهای دلفریب را پیش چشم بیننده قرار داده اند و این صنعت و هنر را به مثابه کهن ترین میراث ایران زمین در پهنه گیتی شهره عام و خاص ساخته اند.

تردیدی نیست که کمک به تقویت و تداوم حیات و رونق افزایی در این صنعت آمیخته با هنر اصیل ایرانی و اسلامی یک وظیفه ملی و میهنی در قبال میراث فرهنگی این مرز و بوم است.

در عرصه صنعت فرش دستباف کاشان از قدیمی ترین مهاد و مواطن این هنر اصیل و دیرینه ایرانی است و نوع بافت فرش در کاشان از جمله نمونه های منحصر به فرد در این رشته هنری است. نوع سرکش کردن، قیچی کردن و یا پود دادن و شانه زدن در بافت قالی کاشانی نیز طریقه‌ای منحصر به هنرمندان و بافندگان این منطقه است که قدمتی طولانی دارد.

همین ویژگی را می توان در طراحی نقشه ها و رنگ آمیزی آنها و ذوق و سلیقه نقاشان قالی در این منطقه نیز مشاهده کرد.

به هر تقدیر کاشان یکی از قطب های تولید انواع فرش دستباف با ظرافت های مختلف و ارزش هنری و مادی متفاوت بوده و هست. آفرینندگان نقشه و بافندگان کاشانی با تولید فرش هایی با الیاف طبیعی پشم، کرک، ابریشم و گاه مخلوطی از کرک و ابریشم نفیس ترین و گرانبهاترین محصولات هنری را با نام و نشان ایران عزیز به جهان عرضه می کنند و موجب عزت و افتخار ما در عرصه های هنری دنیا هستند.

فرماندار کاشان در بخش دیگری از گپ و گفتش با ما با اشاره به فعالیتهای فرمانداری کاشان و دیگر نهادهای این شهر در توسعه و ارتقای فرشبافی منطقه از جمله تشکیل جلسات میز فرش و تلاش در راه اندازی موزه فرش گفت:

بدیهی است که شهرستان کاشان و پیش کسوتان در عرصه هنر فرش در این سامان بیشترین استقبال را از برگزاری جشنواره فرهنگی، هنری فرش خواهند داشت زیرا برپایی این جشنواره به تعبیری می تواند ترجمان فریاد مظلومیت این هنر اصیل و ارزشمند باشد که در زیر سایه سنگین و بی روح صنعت مدرن و آمیخته از آهن و پولاد در عصر حاضر در محاق نیستی و فراموشی دست و پا می زند و یاران هنر دوست و فرهنگ شناس و حامیان میراث فرهنگی این مرز و بوم را به مدد می طلبد.

از این رو به نظر می رسد این جشنواره و هر تلاش متعهدانه‌ای که در این راستا صورت گیرد، مورد اقبال و خوش آمد مردم شریف این سامان قرار می گیرد و طبیعی است که مسوولان و مدیران منطقه نیز به تبعیت از مردم و در راستای ایفای وظیفه در جهت تامین خواسته مردم شریف، همه توان، امکانات و مقدورات خود را در راه هرچه بهتر برگزار شدن این جشنواره و سودمندی و بهره دهی آن به کار گیرند.

پیشاپیش از همه عزیزان هنر دوست، هنرمند و هنر پروری که متعهدانه دست به این کار بزرگ و مفید یازیده‌اند صمیمانه تشکر کرده و آرزو می کنم این اقدام بتواند پاسخی سزاوار و کارساز به فریاد نیاز این هنر ارزشمند و هنرمندان عزیز این عرصه ملی و تاریخی ما باشد و بتواند شروعی بر روند رونق بخشی و شکوفایی صنعت فرش دستباف در این خطه باستانی از میهن اسلامی باشد.

فرش؛ فخر هنر و تمدن کهن ما

از نخستین همراهان جشنواره است و ماههاست که به یاری او دلخوشیم. مشاور معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از سکتیل نخستین نشست شورای سیاستگذاری جشنواره تاکنون در زمینه های مختلف، یاریمان کرد و اینک به گفت و گو با او نشستیم تا شنوای سخنش باشیم.

دکتر مصطفی عباسی مقدم با ما چنین گفت:

یکی از آسیبهایی که ممکن است به جامعه امروزی ما به ویژه نسل جوان وارد آید، غفلت از فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی است و این غفلت در برنامه ریزی ها و فعالیتها ممکن است لطمات فراوانی را در آینده بر ما تحمیل کند. تا گفته میشاست که برای رسیدن به توسعه همه جانبه و پایدار باید به ویژه در عرصه های علمی و فرهنگی بر داشته های علمی خود تکیه کنیم و حفظ و تقویت مظاهر فرهنگی، مواریث تاریخی، یادگارهای هنری و ... در این راه بسیار ضروری می نماید. از آنجا که آموزش عالی یکی از حوزه های

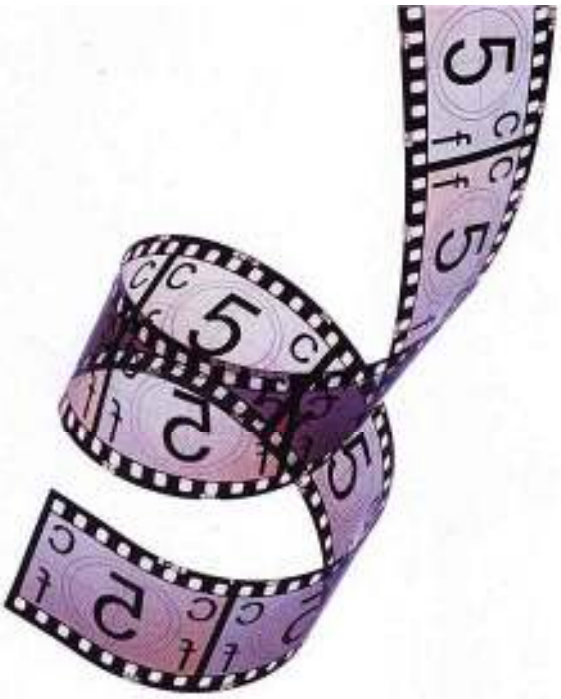

سینما، شکل امروزین فرش است

او مدیر اولین دفتر پخش بین المللی فیلمهای ایرانی، معاون بین الملل پیشین خانه سینما، عضو هیات انتخاب جایزه سینمای آسیا و پاسیفیک در استرالیا، عضو شبکه ارتقای سینمای آسیا، عضو شبکه سینمای مستند اروپا، عضو هیات داوری ده‌ها جشنواره فیلم، عضو شورای مرکزی انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران، مدیر امور بین الملل مرکز هنرهای نمایشی کشور، مسوول امور بین الملل جشنواره بین المللی تئاتر فجر و... است.

محمد اطیابی با مشغله بسیار ما را مرهون لطف خود ساخت و به عنوان یکی از داوران بخش فیلم جشنواره فرش یاریمان کرد. کار داوری آثار که به پایان رسید، از اطیابی نظرش را درباره فرش، سینما و جشنواره جویا شدیم که گفت:

به باور من برگزاری هر جشنواره ای یک "فرصت" است برای مخاطبان، شرکت کنندگان و برگزارکنندگان در جهت آشنایی با موضوع جشنواره و گسترش آن که محور جشنواره حاضر فرش است.

فرش به عنوان یک میراث فرهنگی و شاخصه هنر ما، همچنان از دسترس و چشم زیبایی شناسانه مردم ایران دور مانده و تنها بخش کوچکی از جامعه به واسطه امکانات مادی همنشین این هنر شده‌اند.

جشنواره فرهنگی، هنری فرش فرصتی برای نسل جوان و هنر دوست ایران است تا هرچه بیشتر با ابعاد مختلف و وضعیت فعلی این هنر آشنا شوند.

من همواره در سینما و فرش وجوه مشترک بسیاری دیده‌ام و فرش را به گونه‌ای هنر سینما در دوران گذشته و سینما را شکل امروزی فرش در عرصه هنرها تلقی کرده‌ام. هنرمند فرشباف و هنرمند فیلمساز هر دو از هنرهای بسیاری بهره می برند. در فرش و سینما، رنگ، قاب بندی، طرح، ریتم، حرکت، موسیقی و حتی روایت به اشتراک است. یک قطعه فرش به مثابه یک فریم از سینماست و بی تردید این تعابیر بیشتر به یک فرش هنرمندانه و فیلم هنری نزدیک است و جالب آنکه فرش تجاری و فیلم تجاری نیز در شاخصه های سبک پسندانه اشتراکات بسیاری دارند.

تردیدی نباید داشت که مدیوم سینما می تواند یکی از شاخص ترین شیوه های معرفی و ارتقای هنر فرش ایران باشد؛ هر چند که به این مهم کمتر پرداخته شده است و جای آثاری چون فیلمهای "فرش ایرانی" و "سه زن" در شناسایی والاترین هنر ایران زمین در عرصه سینما خالی است.

آشنایی با یک یادگار قدیمی

برای اهالی هنر هفتم **ژاون قوکاسیان** نامی آشناست. نویسنده، فیلمساز و منتقدی که نزدیک به ۴ دهه در عرصه سینما فعالیت داشته و ۲۲ کتاب، ۲۵ فیلم مستند و شمار فراوانی مقاله و نقد حاصل تلاش اوست.

قوکاسیان که داوری بیش از ۵۰ جشنواره داخلی و خارجی را در کارنامه خود دارد، هم اکنون سردبیری نشریه "هنر پارسی" را نیز به عهده دارد.

او با تواضع برما منت نهاد و به عنوان یکی از داوران بخش فیلم "جشنواره فرهنگی هنری فرش" یاور ما شد و آنچه در پی می آید حاصل گپ و گفت مشترک ما درباره فرش و جشنواره است.

از ژاون قوکاسیان پرسیدیم که برپایی این جشنواره چه فوایدی می تواند داشته باشد که گفت: آشنا سازی دانشجویان و جوانان با فرش دستباف به عنوان یک یادگار ارزشمند قدیمی و ایجاد انگیزه برای پژوهش بیشتر و خلق آثار هنری با الهام از این هنر بومی در رشته های متفاوت نقاشی، فیلمسازی، ادبیات، گرافیک و... می تواند از دستاوردهای شایان توجه این جشنواره باشد.

جست و جو، کنکاش و پژوهش برای ارتباط بیشتر با این هنر اصیل و بومی و همچنین ایجاد انگیزه برای تحول و دستیابی به راهکارهای جدید برای تداوم بیشتر این هنر و شناخت عمیق تر فرش نیز از جمله منافع این اتفاق فرهنگی، هنری است.

از او درباره فرش و جایگاه آن پرسیدیم که فرش را هنری چند وجهی و گونه گون دانست و گفت:

به فرش باید از دیدگاههای مختلفی نگریست. از نظر زیبایی شناسی، از زاویه گذشته تمدنی و تاریخی، از نظر قوم شناسی و نیز از جنبه اقتصادی می توان به فرش دستباف پرداخت و فرش در هر یک از این جنبه ها حرفهای زیادی برای گفتن دارد.

قوکاسیان درباره توان فیلم و سینما در پرداختن به مقوله فرش نیز گفت: هنر سینما تاکنون توجه اندکی به هنر فرش داشته است و به دلایل مختلف چه در زمینه مستند و چه در زمینه داستانی به این هنر ارزشمند و متعالی بسیار کم نگریسته شده است.

فیلم ۱۵ اپیزودی "فرش ایرانی" که در جشنواره بیست و پنجم فیلم فجر به نمایش درآمد، گام مهمی در راستای توجه سینما به فرش بود که البته در نمایش عمومی آن بی سر و صدا و بدون تبلیغات عمل شد در حالی که می توانست جریان سازی کند و به ویژه آنکه نام کارگردانان بزرگی چون بیضایی، سینایی، فرمان آرا و مجیدی را در کنار خود داشت.

فیلمهای رسیده به جشنواره فرهنگی، هنری فرش هم نوید دهنده توجه بیشتر به پیوند سینما با فرش است و این جشنواره می تواند سرآغاز برنامه های فرهنگی دیگری در همین راستا باشد و در صورت تداوم جشنواره در سالهای بعد بدون شک شاهد فیلمهای بهتری خواهیم بود.

اساسی ارتقای وضعیت فرهنگی جامعه به شمار می آید. دانشگاه‌ها در این عرصه رسالت و مسوولیت سنگینی دارند و نقش فرهنگسازی آنها و اثرگذاری در تولید و هدایت فرهنگ و تمدن جامعه نباید نادیده گرفته شود.

در چشم انداز ۱۴۰۴ نظام نیز شاهد رویکردی فرهنگی هستیم و نقش فرهنگی، اجتماعی و تربیتی دانشگاه ها به وضوح در آن متجلی است که نقطه اوج آن آرمان "دانشگاه تمدن ساز" می باشد. بر این پایه معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم با آگاهی از این ضرورتها، تلاش برای آفرینش دانش، فرهنگ، هنر و ادبیات جدید مبتنی بر داشته های تاریخی، حفظ و باز پروری هویت تاریخی و تمدن دیرین جامعه، ایجاد تحرک فرهنگی در دانشگاه‌ها و فرهنگسازی بر پایه باورهای دینی و بومی را سر لوحه فعالیتهای خود قرار داده و براین باوریم که پرداختن به هویت بومی و ایرانی در برابر آنچه به تهاجم فرهنگی تعبیر می شود ضروری است. در راستای چنین سیاستی فرش دستباف به عنوان یکی از مظاهر ارزشمند فرهنگی، محور برپایی یکی از جشنواره های این وزارتخانه قرار گرفت و دانشجویان سراسر کشور برای تولید و خلق انواع آثار فرهنگی و هنری و مشارکت در این جشنواره فرا خوانده شدند.

فرش دستباف ایرانی، فخر هنر و تمدن کهن ماست و قابلیتهای بسیاری برای محور واقع شدن در برگزاری جشنواره های فرهنگی و هنری را داراست. این یادگار ارزشمند نیاکان ما در طول قرنهای گذشته با تاریخ و پیشینه ایرانیان پیوند خورده و حامل بار فرهنگی فراوانی است. بر این اساس و با چنین تفکری اداره کل امور فرهنگی وزارت علوم با همکاری انجمن علمی فرش ایران به عنوان مجری و نیز دانشگاه کاشان به عنوان میزبان دست به کار برگزاری چنین جشنواره ای شده اند که آمار مشارکت بالای دانشجویان در این رویداد فرهنگی، هنری نشان از توفیق در نیل به اهداف آن دارد و شایسته است سیاستگزار همه فعالان در این اقدام ارزشمند باشیم.

نقش عشق

انتخابی از اشعار ارسالی به جشنواره

نوک انگشت هایت زخم می کارند قالی را
بکش بر گونه هایت این جنون پرتقالی را
تو در پستوی این رج ها عروس شهر تب ریزی
که با نور سرت گسترده ای فرش خیالی را
"بهار" نارس "نارنج" هایت رو به خورشیدند
و با خود عهد می بندی بهار احتمالی را
درختی سبز خواهد شد پس از این ماجرا دختر!
درختی سرو تر از قامت این چند سالی را
که نم نم لای رج ها بذر خون پاشیده ای شاید
کسی باور کند این رشته های ارتجالی را
تکان شانه ات میرات دار لرزش دف نیست
تو با هق هق گلاویزی تب شرح شمالی را
خیالات تو پر از پیله های پیچ در پیچ اند
که در تو می کند این مستی حالی به حالی را
کسی پر می کشد از بطن این صدها گره روزی
و خواهد زد گره دور تن تو دستمالی را
و یادت می رود هر روز تو بر "دار" می رفتی
و می آویختی از گردن نخ سیب کالی را
کمر خم می کند دیوار بعد از رفتنت آن شب
که می بافند چشمانت به جای دار خالی را ...

"آیدا دانشمندی"

این فرش که زیر پایت انداخته ام
با تار دل و پود تنم بافته ام
با هر گره اش عشق تو محکمتر شد
در هر رج آن نقش تو پرداخته ام

"محمد جاوید"

سرنوشت

کاشان ندا... اهل قریه ای از آن حوالی ام
یعنی که یک دهانی ام و دست خالی ام
در تار و پود خاطره هایم نشسته است
گرد و غبار کودکی و خردسالی ام
من مادری نداشتم اما شنیده ام
فرزند دست های زنان اهالی ام
کارم همینکه نقش تو را صبح تا غروب
می بافم عاشقانه به دار خیالی ام
جای غذا به دست تو "با" خورده ام عزیز!
پس طعم درد عشق شده خوب حالی ام!
اینجا لگد بزن که من آدم نمی شوم ...
تا با صدای پا ندهی گوشمالی ام
موها نه ریشه ها به تنم راست می شود
چون می کند هوای تو حالی به حالی ام
اصلا به من نیامده عاشق شوم ... بخند
امشب به سرنوشت من و خوش خیالی ام؛
روزی به روی "دار" به دنیا بیایی و ...
عمری به گوش خویش بخوانی که ... قالی ام

"رضا سیرجانی"

بیا بنگر رخ زیبای قالی
هنر پیداست در سیمای قالی
چو باغی خرم و سبز و دل آرا
شده آذین همه گلهای قالی
طبیعت را کند خورشید زیبا
دل و دیده چمن آرای قالی
در آن بشکفته گلهای اقاقی
همه شور است سر تا پای قالی
ز خون دل هماره جویباری
به جریان است در رگهای قالی
نشد آسان پدید این گوهر دست
بیفشانید زر در پای قالی

"صدیقه نظری"

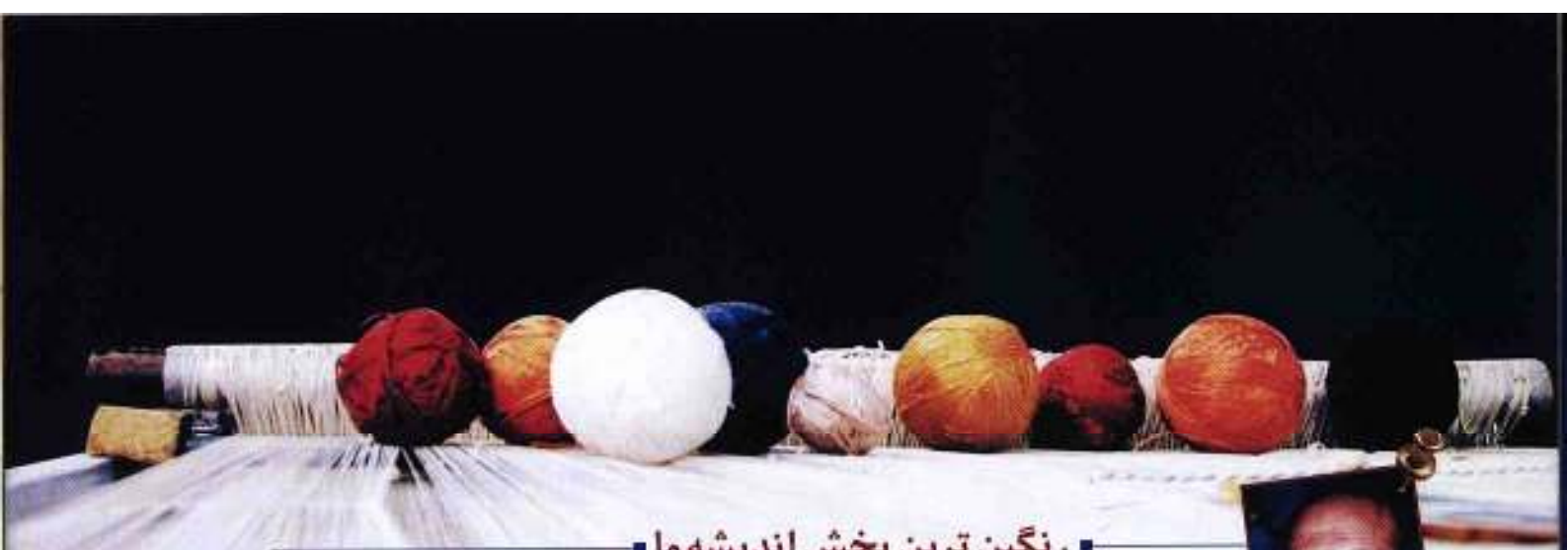

رنگین ترین بخش اندیشه ما

از او تاکنون مجموعه داستانهای " از میان شیشه، ازمیان مه " و " تمام زمستان مراگرم کن " به چاپ رسیده است. **علی خدایی** با لطف فراوان پذیرفت تا یکی از داوران بخش داستان جشنواره باشد و برایمان از ارزشهای این فرصت گفت:

جشنواره های فرهنگی وهنری " فرصت " فراهم می آورند. فرصت دیدار و گفت گو، فرصت عرضه وارایه. طبیعی است که جشنواره فرش هم از این قاعده پیروی می کند.

مهم این است که دست اندرکاران و متولیان این جشنواره از این موقعیت و از این فرصت به شکل بهینه استفاده کنند. مثلا در کشور ما جشنواره های گوناگونی برای داستان نویسی جوانان وجود دارد که بعضی از آن ها با توجه به سرمایه گذاری بیست وچند ساله در زمینه هنر داستان نویسی موفق وممتاز بوده اند یعنی این بذر پس از سال ها اکنون به ثمر نشسته است. بنابراین نتیجه این بذر را باید با دستاوردهای آن در چند سال دیگر ارزیابی کرد.

خدایی در بخش دیگری از سخنانش فرش را اینچنین به تعریف نشست که: فرش بخشی از اندیشه رنگی ایرانیان است و به اعتباری رنگین ترین آنان. ایران را در جهان بیشتر به فرش آن می شناسند و هر فرشی ابتدا ایرانی نامیده می شد تا بعد به جاهای دیگر وصلش می کردند. به هر حال با ذکر نام ایران فرش هم در ذهن نقش می بندد. این اندیشه رنگین با ما زاییده می شود و تجلی می یابد. اما با مرگ ما به زندگی خویش رنگین تر و پر نقش تر ادامه می دهد. فرش ما آنقدر مهم است که خانه را بی فرش خالی وغم زده می یابیم وفرش را آنچنان گرامی می داریم که به احترام پاکی اش بی پای افزار بر آن گام می گذاریم.

او درباره ارتباط فرش با داستان گفت: فرش به عنوان یک شی چیزی است مانند بقیه اشیا در یک داستان. اما کاربرد فرش را با توجه به محورهای یک داستان باز هم مانند بقیه اشیا می توانیم محوری سازیم. سابقه اش هم موجود است. جادویی اش می کنیم و پردازش می دهیم. پر نقشش می کنیم. قصه گو می شود، گرانبها می شود و شرط آزادی یک زندانی یا شرط ازدواج دختر پادشاه می شود و... مهم دید داستان نویس است و فرشی که می شود آنرا زیر پا انداخت یا پرنیانی اش کرد و عمری را در آن نقش کرد.

بیان زیبایی شناسی ایرانیان در فرش

نویسنده مجموعه داستان "مکث آخر" داوری بخش داستان جشنواره را پذیرفت و هم کلام او شدیم تا برایمان از فرش و جشنواره بگوید. **یونس تراکمه** درباره این رویداد فرهنگی، هنری چنین گفت:

حرکت هایی از این دست برای کمک به تغییر و جا به جایی ها لازم و ضروری خواهد بود. تغییر و جا به جایی از یافندگان و سایر دست اندرکاران سنتی به دانش آموختگان این عرصه. تغییری که باعث می شود اجرای خام و سرقاً تجربی مراحل مختلف ایجاد فرش، جایش را به عرصه ای که در آن تکنیک ها تعریف و طبقه بندی شده و به طور مدون آموخته می شود بسپارد. این همه در کنار نگاهی اقتصادی به فرش در بازارجهانی که با اتکا به تکنولوژی های پیشرفته رقابت را پیچیده تر می کند، مبین این امر است که سازوکارهای سنتی جوابگو نبوده و لازم است که در محیط دانشگاهی به سازوکاری مدرن دسترسی پیدا کرد. قطعاً این گونه جشنواره ها موجد طراوت و انگیزه در دانشجویان می شود.

تراکمه ادامه داد:

فرش همچون معماری و... هنری جمعی است و نه فردی. فرش دستباف به عنوان بخشی از میراث این تمدن کهن، مبین نگاه ظریف و زیبایی شناسی خاص ایرانیان است. در تاریخ هنر این سرزمین کهن اگر از شعر و نقاشی و معماری نمونه هایی ذکر می شود، در کنار آن ها از طرح و رنگ و بافت فرش های ایرانی نیز به کرات یاد شده است.

او از منظر یک داستان نویس گفت:

داستان و داستان نویسی با انسان سروکار دارد، با دغدغه ها، رنج ها و شادی های انسان و همچون سایر هنرها در پی کشف و شکل دادن ناشناخته ها و بی شکلی های ذهن و عین هنرمند است. انسان درگیر در مراحل مختلف ایجاد فرش، به دلیل موقعیت هایی که دارد می تواند برای داستان نویس جذاب و وسوسه انگیز باشد.

داستان نویسی که به فرش و عوامل دست اندرکار آن [از طرح و نقشه تا ایجاد رنگ ها و.. تک تک بافنده ها] می پردازد، با انسان های تنهایی مواجه است که مواجهه آن ها با یکدیگر و با درون تنهای خودشان می تواند بسیار جذاب باشد.

فرش؛ بهشتی بر زمین

دکتر هادی منوری تنها شاعر نیست، داروساز هم هست که خیلی با شاعری او بی ربط نیست. ساخت داروی جان و داروی جسم.

از این شاعر نامدار که همواره دست اندرکار جشنواره های شعر از جمله جشنواره بین المللی شعر فجر بوده است، خواستیم تا با ما از فرش بگوید که گفت:

فرش دستباف یکی از هنرهای اصیل ما ایرانیان و نیز یکی از میراث گرانقدر فرهنگی ماست که جایگاه والایی در حافظه تاریخی ما دارد.

فرش ایرانی می تواند هنر، فرهنگ و عشق ایرانی را به خود ایرانیان و نیز به جهانیان نشان دهد و میراثی است که احساس می شود با مدرن شدن جامعه اندکی به دست فراموشی سپرده شده است و لازم است تا با فعالیتهایی همچون برگزاری این جشنواره، افکار عمومی به این هنر اصیل جلب شود.

هر هنری نهایتاً به شعر می رسد و حتی در سینما هم وقتی می خواهیم نهایت هنر را بیان کنیم، می گوییم این فیلم شاعرانه است. فرش نیز یک شعر ناب است. وقتی یک بافته ظریف و زیبا را می بینیم، به شعر می ماند.

منوری کلامش را چنین پایان داد که: فرش زیبا، بهشتی است که ما بر آن زندگی می کنیم و اگر بتوانیم قدر بهشت را بدانیم، حتماً بهشتی خواهیم شد.

فرش از نگاه دوربین دانشجو:

جشنواره فرهنگی هنری فرش

۱ - ابوالفضل جهان مهین
۲ - محسن سجادی
۳ و ۴ - هادی شهابی راوندی
۵ - آزاده عباسی

فرش، خود داستان است

شهره احدیت کاشانی است و داستان نویس. از او درباره ضرورت برپایی جشنواره پرسیدیم که گفت:

اصولا آشنایی با هنر به معنای عام و هنرهای سنتی به طور خاص، می تواند دریچه تازه‌ای در برابر چشمان مخاطب بگشاید و به غنای اندیشه منجر شود. برگزاری جشنواره ای با هدف آشنایی با فرش ایرانی و پیوند زدن آن با ادبیات آن هم در حوزه دانشجویی می تواند راهی باشد برای آشنایی بیشتر جوانان با این هنر ایرانی. همچنین تلنگری برای آشنایی بیشتر جوانان با فرهنگ و هنر این مرز و بوم و انگیزه‌ای برای تلاش بیشتر در راه اعتلای این میراث کهن. بر پایی این جشنواره در آغاز اردیبهشت ماه در کاشان را به فال نیک می گیرم و آرزومند شکوفا شدن جوانه های هنر در عزیزانی هستم که آینده خود را با فرش ایرانی هزار گره رنگارنگ زده‌اند.

داور بخش داستان جشنواره دانشجویی فرش درباره این هنر - صنعت بی بدیل گفت:

فرش از معدود هنرهایی است که از جنبه های مختلف همیشه در سرنوشت این کشور موثر بوده است. شاید کمتر هنری بتوان یافت که از هر دو جنبه زیبا شناختی و اقتصادی تقریبا به طور یکسان در زندگی ایرانیان موثر بوده باشد.

پیچ وتاب شاخه ها، رنگ وطرح گل ها، سکوت بوم در هیاهوی این همه رنگ، هر یک یادگار حرکت و تکامل این هنر در بخشی از تاریخ این کشور است. اگر چه به نظر می رسد در سال های اخیر به این هنر بی نظیر کمتر توجه شده است اما هیچ چیز نتوانسته است از عشق ایرانی به این هنر بکاهد. فرش در خانه های ایرانی در هر کجا که باشد جایگاه ویژه‌ای دارد.

نه تنها به عنوان تکه ای از میلمان خانه بلکه به عنوان جلوه ای از زیبایی و رنگارنگی عضوی از خانواده که افراد را بر پرتیان جان خود به آرامش می خواند.

و پرسیدیم که داستان را با فرش چه نسبتی است که احدیت گفت:

هوای نمور قالیبافخانه همراه با صدای شانه و قیچی و چاقو، غرق در زمزمه های زنان قالیباف که در پشت تارهای سفید قالی گلهای رنگارنگ می آفرینند. آیا این فضا داستانی نیست؟ دنیای روزهای بافتن و بافتن و بافتن و شب ها در خستگی و خواب رها شدن و مدام در رویای بالاتر رفتن تخته قالی بر روی نره‌بان غوطه خوردن...

فرش چه از نظر نحوه پرداخت گل و شاخه و برگ، ترنج و محراب و... چه از نظر فضایی که در حین بافتن آن وجود دارد، قابلیت های زیادی دارد که در داستان ایرانی خود بنماید. به نظر می رسد حتی توجه به شیوه بافت: آغاز یک نقش با یک گره و شاخ و برگ یافتن، گسترده شدن و بعد در جایی با یک گره تمام شدن، می تواند نوعی فرم در داستان ایجاد کند.

زبان داستان گسترده است و بی تردید فرش ایرانی می تواند در این گستردگی زیبایی بیافریند و عطر و بویی ایرانی به فضای داستان های ما بدهد.

ویترینی برای پژوهش، هنرورزی و نمایش

او از فعالان هنر عکاسی کشور است که در نمایشگاهها و جشنواره های مختلفی در داخل و خارج از کشور حضور داشته است. در انجمن عکاسی ایرانشهر عضویت دارد و به تدریس عکاسی نیز می پردازد. سخن از **اسعد نقشبندی** است که به عنوان یکی از داوران بخش عکس "جشنواره فرهنگی هنری فرش" دست یاری دبیر خانه را به گرمی فشرد و دست نوشته ای را نیز در این زمینه تقدیم خوانندگان "نامه فرش" کرد.

نقشبندی چنین نوشته است:

فرش، اعتبار و آبروی هر خانه و کاشانه ایرانی است. ایران را با فرشش می شناسند و در هر گوشه ای از دنیا که با فرهیخته ای سخن بگویی، نام ایران را با فرش عجین می بیند. میلیونها نفر در این سرزمین در همین لحظه پای دار، پود وجودشان را در تار قالی مایه می گذارند و روزها و ماهها با صبر و حوصله و مهربانی با فرشی که گره بر آن می زنند سخن می گویند و برتارها گره می زنند که نقش قالی شکل گیرد. اگر همسایه از در خانه رد شد و احوال اهالی خانه را پرسید، از وضع و حال دار قالی هم سراغ می گیرد و صاحب قالی با تفاخر رشد آن را نشان می دهد و روزی هم که قالی به آخر رسید، برای آن جشن می گیرند و به هم شادباش می گویند.

مردم کویر ایران فرش را "باغ بهشت" می نامند چون در کویر آسمان است و زمین. به رنگی نه سبزینه ای. دنیای ذهن خود را در باغ بهشتی که خود می سازد می بیند و نبود آن را با نگاه کردن به این باغ بهشت سیراب می کند. به همین دلیل است که بهترین فرش های ایرانی در شهرهای کویری بافته می شود و در هر خانه ای در کویر حداقل قطعه‌ای از باغ بهشت خواهیم دید.

ایرانی بودن فقط هویت مان است و فرش بخشی از این فرهنگ و فیلم و عکس به عنوان دریچه ای برای حفظ و ترویج این فرهنگ و نشان دادن باغ بهشت می تواند نقش مهمی در ثبت و شناساندن و معرفی آن داشته باشد. عکس و فیلم هر کدام در کاربرد خود می تواند ارزش های فرش را ترویج دهند.

فرش این هنر اصیل ایرانی با همه تاریخ و فرهنگی که با خود دارد و ظرایف و ظرفیت هایش برای نسل جدید ما ناشناخته است. در دنیای پر سر و صدای امروز، برای معرفی فرش طرحی نو می طلبد و برنامه ای مدون که چگونه ارزش های فرش را بتوانیم با امکانات و زبان امروز معرفی کنیم. زیرا فرش در خطر فراموش شدن است. تکنولوژی با همه خاصیت هایش که نمی توان منکرش شد ولی به بازار فرش در دنیای آسیب زده و ماشین ها به جای دست های انسانها بدل فرش را می سازند که نه آن عشق و طراوت هزاران گره دست انسان کویری را دارد و نه ماندگاری آن را ولی به هرحال به جای باغ بهشت وارد زندگی ما شده است.

از برنامه و طرح مدون سخن گفتیم که جشنواره فرش می تواند قدمی در حفظ و معرفی ارزش های فرش باشد چون ویترینی است برای پژوهش، هنرورزی و نمایش و جشنواره دانشجویی که مخاطب آن نسل جدید است، فرصت مناسبی است برای این پل ارتباطی. البته باید در نظر داشت که این قدمهای اول است و ادامه آن می تواند امیدوار کننده باشد.

فرش ها هم دلشان می شکند!...

ساناز تطهیان

ایرانیان!

ای وامداران اصالت و شکوه فرش!

این هشدار را جدی بگیرید:

به فرش های زیر پایتان نظر اندازید به مهر، که فردا دیر است و به بالای سر در نمایشگاه فرشی که می روید!

آخر فرشی به من گفت:

ترنج دل ما ترک خورد وقتی در نمایشگاه فرش "دستباف" کسی از تو پرسید:

((فرش های ماشینی در کدام غرفه است؟!!!))

تاملاتی اندر باب فرش شرکی

۱- حالا دیگر نه من فرش را به باد می آورم و نه دیگر گمانم او یاد من باشد. فرش برای من همراه خوبی نبود. من هم برای فرش خوب نبودم. فرش مثل اعضای خانواده‌ام بود. حق انتخابی نداری باید تحملشان کنی، چه خوب باشند چه بد. مجبوری هر روز صورت نشسته اول صبحشان را، غذا خوردنشان را و دستشویی رفتنشان را ببینی و تحمل کنی. فرش برای من اینگونه بود. باید ریشه های چرکش را، گره های تقلبی اش را که خودش هم می دانست تقلبی اند، سرکجی اش را و از همه بدتر یکی دو مورد نداشتن پود نازکش را تحمل می کردم و دم نمی زدم.

۲- این فرش هم موجود عجیبی است. گاهی اوقات فکر می کنم که اصلا وجود خارجی ندارد. یکبار که به خانه آمدم جلوی تلویزیون پله داده بود و اخبار اقتصادی گوش می کرد. من اصلا ندیدمش. پایم گیر کرد به ریشه هایش و سکندری خوردم. خیلی پهش برخورد. نباید فرش را اینطور نادیده گرفت آن هم فرشی که اخبار اقتصادی را دنبال می کند.

۳- گناه از من بود. من فرش را انتخاب کردم نه او مرا. من بودم که نام او را در فهرست سیاه انتخابها ثبت کردم. هر چند در انتها و خیلی پایین. اما می دانم که این حرفها چیزی از گناه من کم نمی کند. من آنقدر منصف هستم که در صدد توجیه خود نباشم. به هر حال من او را انتخاب کردم. مجبورم همیشه تحملش کنم. یا این انتخاب او هم مجبور است تحمل کند مرا اما عادلانه نیست.

هیچکدام از ما در این قضیه ذی نفع نیستیم. فرش را اگر یک بار عقد کنی تا آخر عمر مثل آش کشک خاله جان بیخ ریشت بسته است.

۴- مدتی است توهمی آزار دهنده از ذهنم می گذرد که عاشق فرش دیگری شده‌ام. شاید هم توهم نباشد و به راستی ... چند روز پیش توی بازار دیدمش. از تیمچه زده بودم بیرون برای خوردن ناهار. اولین لقمه کباب به سمت دهانم رفت و برگشت که دیدم زل زده به من. البته بعدا فهمیدم تابلوی کشته شدن هومان به دست بیژن که پشت سرم بوده را نگاه می کرده. اما چه رنگی، چه نقشی، عجب پایی. هنوز یک بار هم پا نخورده بود و همه خوابش به سوی نصف النهار مبدا بود. درست راس ساعت ۱۲ ظهر به وقت آبادی گرینویچ در رجب المرجب سنه یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج من عاشق این تکه کار تبریز شده و به چشم برادری عجب لعبتکی بود. حیران از جمال وی لقمه از یدم افتاد و انگشت حیرت گزیدم. از خلسه به خود که آمدم گذشته بود. فی الحال این بیت از ذهنم گذشت که:

آن کیست کاندر رفتنش صبر از دل ما می برد
ترک از خراسان آمدست از پارس یغما می برد

۵- چرا آنچه می خواهیم اینقدر دیر به دست می آید؟ وقتی دیگر به کارت نمی آید و مدتهاست از دست رفته است کار. آچه گلهایی. آچه قوسهای لطیف و چشم نوازی و چه ریشه هایی. نه دیگر انگار دلبسته‌ام به او وگرنه این حیرانی از کجاست؟ باید پیدایش کنم. باید سر صحبت را باز کنم با او. مبادا دستورو بشود. مبادا فرشو ببرد. مبادا... آه رها کنم این دودلی ها را.

۶- خیلی که جوان بودم، ناگاهانه دلم در گروی یک فرش ماشینی بود. آن هم نه یک دل و صد دل که هزار دل. طبیعتا خانواده‌ام مخالف بودند. نمی توانستند تحمل کنند یک فرش ماشینی تازه به دوران رسیده که سر تا پایش یک گره اصالت ندارد، وارد خانواده‌ای شود که از ابتدای خلقت هزار جور ناظر فنی با عینکهای دسته شاخی دهه چهل شان و سر طاس رخشنده شان تک تک بافنده ها را از سوراخ سوزن گذرانده‌اند که مبادا خدای نکرده دو چله را به هم گره بزنند. بله من از چنین خانواده‌ای آمده‌ام. کاملا اصیل. از آن اصالتها که دیگر کم پیدا می شود. حالا دیگر توی هر شهری می روی، شمال تا جنوب و شرق تا غرب، را که بگردی مگر یکی دو خانواده اصیل پیدا کنی. آباده‌ای ها در شیرازند، تربتی ها در مشهد، مراغه ای ها در تبریز، شهرضایی ها در اصفهان و همه تهران در تهران! و این چنین است که نسل خانواده های اصیل رو به انقراض نهاده است و باید محیط زیست فکری به حالش بکند وگرنه اصالت که واقعا درد امروز همه جوامع بشری است و جهان ما اگر اصالت داشت و چند خانواده اصیل، بعید بود به وضع کنونی دچار شود. بر باد رفته است. کاش اصیلها آن زمان که دستشان می رسید دمار از روزگار غیر اصیل ها درمی آوردند تا کار به اینجا نمی کشید؛ جایی که اصالت فقط به درد موزه ها بخورد.

خود من یک اصیل زاده‌ام. جد بزرگم بازیریک است. [البته ما توی خودمان به او می گوییم هوشنگ]. او زمانی که سرزمین آبا و اجدادی اش را به قصد جهانگشایی ترک کرد، یک ساله بود. اما متاسفانه فقط موفق شد قسمتی از استر آباد و طبرستان را بگیرد و به مرز پرگهر وصله کند که آن هم بعدا معلوم شد اصلا از قبل جزء مرز پر گهر بوده است. هوشنگ بزرگ از بد حادثه گرفتار سرمای سیبری شد و زنده زنده یخ بست. مرثیه گویان در وصف این مصیبت اعظم سروده اند:

گالیا مس از هارا سیبری هارا رفتی و گزم کف پایت ولی بوردا چرا

حالا قصدم به رخ کشیدن اصالتم نبود بلکه می خواستم بگویم من از چنین خانواده‌ای هستم اما او ... با این وجود نمی توانم منکر زیبایی اش شوم. معصومیتی شهرستانی در رنگهایش جریان داشت.

بعد این همه سال یکی دو روز پیش دوباره دیدمش. عشق اول همیشه در ذهن جاودانه می ماند. چقدر دلم می خواست باز ببینمش. چه شکسته شده بود و از آن همه رنگ و لعاب و هزار کرشمه‌ای که وقت جوانی داشت جز گرد و غبار میان سالی و اندکی پرز و ور پریده و ذرتی شده چیزی باقی نمانده بود. گاه با خودم فکر می کنم من که دائم از این و آن یا می خورم و جوانتر می شوم اصالت بیشتری دارم یا او که ...؟ اما که خودمان را با هر شرایطی وفق می دهیم و یا می خوریم و نوتر می شویم بیمار نیستیم؟ فرش من که بی شک بیمار است.

۷- من و فرش دیگر مدتهاست با هم زندگی نمی کنیم. یکروز که به خانه آمدم تلویزیون را روشن گذاشته بود و رفته بود. چقدر تنها شده‌ام. نمی دانم کجاست حتا همراهش را هم جواب نمی دهد. مهم نیست باید این اتفاق می افتاد. باید با تنهایی کنار بیایم. فردا می روم و همه چیز را به آن فرش تبریزی می گویم. این تلویزیون هم که فقط برفک پخش می کند.

۸- در زندگی زخمهایی است که مثل خوره روح را در انزوا می خورد. کاش می توانستم گره گره‌ام را از هم بگشایم. کاش فارسی باف بودند این گره ها و امیدی بود به باز شدنشان. چه کنم که بافنده سرنوشت همه را ترکی گره زده به تار و پودم. همه چیز را از دست داده ام. اگر فرش ماشینی بودم و اکریلیک و پانصد شانه و اسپرت بار اینقدر نامید نبودم. اما چه کنم این اصالت چندین هزار ساله را به قول آن گبه شیرازی:

دیدار می نمایی و پرهیز می کنی بازار خویش و آتش ما تیز می کنی؟

امروز که به بازار رفته بودم تا همه چیز را به دلدار بگویم، چه چیزها ندیدم و چه ها که بر من گرفت. فرش خودم را دیدم که به بازار آورده بودند و نرخ یوسف مصری را شکسته بود. چه جواهری در خانه داشتم و قدرش را ندانستم. کجا می توانم چون اویی پیدا کنم که فاصله میان ناهار و چرت بعد از ظهر را با مزه مزه کردن چای تلخ، خبر اقتصادی گوش کند و همه سریالهای آبگوشتی شبکه های محترم سیما را تاب بیاورد؟ ایستادم نگاه کردم که چگونه گلها دست برون کرد روزگار مخالف. مرا دید یا ندید نمی دانم که اگر دیده بود ... چه خوش خیالم من! چشم چرخاندم توی بازار، فرش تبریزی را دیدم و گفتم به او آنچه که باید. جواب شنیدم:

"من خودم عاشق فرش دیگری هستم". دیگر طاقت نیاوردم. زدم از بازار بیرون و خواستم از خدای کاش بجای فرش، قلاب ماهیگیری بودم!

پیش به سوی بین المللی شدن جشنواره

کارشناس امور جشنواره های اداره کل امور فرهنگی وزارت علوم یک سر دارد و هزار سودا.

سخن از **قادر دلاورنژاد** است که پس از چند ماه همراهی نظرش را درباره فرش و جشنواره پرسیدیم. گفت:

جشنواره فرهنگی و هنری فرش دانشجویان ایران از آن جشنواره هایی است که هر چند در وزارت علوم و به تبع آن در دانشگاه های ایران دیر شروع شده اما به نظر بنده شروع خوب و مناسبی داشته است به ویژه آنکه توجه دقیق در طراحی جشنواره و تقسیم جشنواره به بخشهای گوناگون ادبی، هنری، تخصصی و پژوهشی، فرصت مغتنمی را برای تولید انبوه آثار فراهم آورده است که می شود با استفاده از این آثار تولید شده در طول سال نمایشگاه ها و برنامه های فرهنگی گوناگونی را در سراسر دانشگاه ها و مراکز فرهنگی، هنری کشور فراهم آورد.

البته درک ضرورت برگزاری این جشنواره به یقین مسوولان فعلی وزارت علوم را در بخش فرهنگ حتما تشویق خواهد کرد تا در سال های آینده نگاهی فرا مرزی به فرش داشته باشند و در حد امکان و وسعی که فراهم آمده و یا امکان فراهم کردنش هست، به بین المللی کردن جشنواره نیز توجه کنند.

دلاورنژاد افزود:

فرش و هنر های مستتر در آن از قبیل طراحی، رنگرزی، بافندگی و ... از زمانی که انسان زیستن در جغرافیای ایرانی با خلاقیت را آموخته با زندگی اش پیوند محکمی داشته است چرا که روزگاری فرش علاوه بر هنر، رکن اصلی اقتصاد جامعه سنتی ما بود و محل تامین معیشت هزاران خانوار. کافی است برای دریافت عمق این پیوند به فولکلور اقوام ایرانی و ضرب المثل ها، چیستان ها و ترانه های مردمی اش توجهی گذرا داشته باشیم. جالب توجه خواهد بود اگر پژوهشی در حوزه ترانه های فرش و تاثیر آن بر زندگی روزمره مردم در سده گذشته داشته باشیم. آن موقع آینه تمام نمایی از زندگی اجتماعی مردمانی را در این ترانه ها خواهیم یافت که با چه مشقتی در رواج هنر فرش کوشیده اند.

او درباره هدف وزارت علوم در برگزاری چنین جشنواره ای گفت:

با توجه به دکترین معاون محترم فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم جناب آقای دکتر خرمشاد در حوزه فرهنگ در دانشگاه ها مبنی بر رسیدن به " دانشگاه تمدن ساز - تمدن نوین اسلامی، ایرانی " همت بلند تیم اداره کل امور فرهنگی این وزارت مصروف توجه به مفاخر و مواریث فرهنگی شده است و برنامه های گوناگونی نیز در این زمینه انجام پذیرفته که یکی از آن برنامه ها هم توجه به هنر - صنعت فرش به عنوان یکی از میراث ماندگار و همچنین به عنوان یکی از پایه های تمدن اسلامی، ایرانی است که امسال در قالب جشنواره ای فراگیر شاهد برگزاری آن هستیم و امیدوارم در سال های آتی نیز شاهد برگزاری این جشنواره در سطح بین المللی باشیم.

من تشکر قلبی خود را از تک تک اعضای کوشای دبیرخانه جشنواره اعلام می کنم و آرزو دارم در سایه رحمت واسعه الهی بتوانیم در گسترش فرهنگ و تمدن نوین اسلامی، ایرانی موفق باشیم.

فرش از نگاه فیلمسازان

بهروز افخمی که فیلم کوتاه "فرش عشایری" درباره زندگی عشایر فرشباف از ساخته های اوست می گوید:

فرش ایرانی، جهانی ظریف و سراسر تخیل، تکرار درخت و نهر و شکوفه، جهانی آرمانی و بر گرفته از روح ایرانی است.

کمال تبریزی سازنده فیلم "فرش باد" و نیز فیلم کوتاه "فرش زمین" است. تبریزی می گوید:

رنگ، نقش، نور، حرکت و طبیعت در فرش ایرانی یادآور نزدیکی، دوستی و حیات ما بر پهنه زمین است.

خسرو سینایی مستندی با نام "فرش، اسب، ترکمن" در کارنامه دارد و درباره فرش می گوید:

فرش، پیوند هنرمندانه ایرانیان با طبیعت، زندگی، باورها و تاریخ است.

فیلمساز هنرمند این دیار شادروان **علی حاتمی** که دل در گرو فرهنگ و سنتهای کهن ایران زمین داشت، در فیلم به یادماندنی "کمال الملک" گفتاری را بر زبان این نقاش نامدار خطاب به هنرمند فرشباف جاری می سازد که ستایشی جذاب از فرش ایرانی است. او می گوید:

" استاد تویی، هنر این فرشه. شاهکار، این تابلوست. دریغ همه عمر یک نظر به زیر پا نینداختیم. هنر، این ذوق گسترده است. شاهکار، کار توست یار محمد نه کار من!"

جای پای فرش در حوزه های تصویری

فرش ایرانی نه تنها در عکاسی بلکه در سایر حوزه های تصویری مانند سینما، نقاشی، گرافیک و تصویرسازی جای پای مهم و بارزی دارد تا آنجا که در تابلوهای رامبراند و برخی از نقاشان بزرگ جهان، فرش ایرانی وزن مهمی از تابلو را در بر گرفته است.

مجتبی آقایی "مدیر موزه هنرهای دینی امام علی(ع)" در گفت و گو با دبیرخانه جشنواره با بیان این مطلب افزود: فرش تجریدی ترین بیان و تمایه طبیعت است که با تاروپود هنر و عاطفه بافنده گره می خورد و بر سطح طرح و نقش می نشیند و هنری بی بدیل است.

وی همچنین گفت: فرش ایرانی پیشینه ای گسترده در پهنه فرهنگ، هنر، فولکلور، جغرافیا و آداب و رسوم ما دارد و از این روست که مظاهر و مولفه های هنری و فرهنگی هر قوم و قبیله و خطه ای ردی عمیق در دست بافته ها به ویژه فرش دارد و این مهم نه متاخر بلکه بسیار قدیم است.

مدیر دفتر هنرهای تجسمی سازمان فرهنگی، هنری شهرداری تهران ادامه داد: فرش به عنوان نه صرفاً یک کالای با ارزش اقتصادی بلکه خود کالایی فرهنگی و سفیری ماندگار از فرهنگ و هنر است و بدیهی است این گستره و تبیین و تقویت آن بحثی چندوجهی و جامع الاطراف می طلبد که به گمان من جشنواره فرهنگی، هنری فرش در ادامه مسیر خود باید بعد علمی و پژوهشی را هم در بر بگیرد تا تناسب و الفت آن با فضای دانشجویی و علمی بیشتر برقرار شود.

کاشان، فرش، جشنواره

حوزه معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه کاشان در روند برپایی جشنواره به ویژه در آخرین روزها عهده دار زحمات بسیاری شد و شایسته دیدیم که با گفتن "خسته نباشید" هم کلام **دکتر قنبرعلی شیخ زاده** شویم تا از او نیز درباره فرش و جشنواره بشنویم.

معاون دانشجویی و فرهنگی دانشگاه به ما گفت:

فرهنگ و میراث فرهنگی کشور، حاصل رنجها و تلاشهای نسلهای گذشته و سوخته کشور و حاصل زحمات و فعالیتهای طاقت فرسای هنرمندان و نام آوران عرصه هنری است و از جمله هنرهای گرانبهای کشور ما فرش می باشد که سابقه دیرین و جهانی دارد.

فرش دستباف ایران در بازارهای جهانی شهره عام و خاص بوده و بسیاری از موزه های کشورهای غربی برای به دست آوردن این هنر اصیل، سرمایه های هنگفتی خرج می کنند.

کشور ما و شهر کاشان، مهد پرورش این هنر اصیل هستند و خرسندیم که به همت مسوولان و دست اندرکاران، میزبان جشنواره ای ویژه این هنر شده ایم و امیدواریم که دانشجویان گرامی با آثار و آفرینشهای خود در جشنواره گامهای موثری در رشد این هنر بردارند و مردم ایران نیز بیشتر با فرش ایرانی آشنا شوند.

دکتر شیخ زاده ادامه داد: با تشکیل ستاد اجرایی و برپایی جلسات مختلف، هماهنگی های لازم جهت برگزاری جشنواره با همت تمام همکاران دانشگاهی و نهادهای شهری صورت پذیرفته و اینک با قوت و امید به استقبال برگزاری مطلوب جشنواره می رویم.

نگاهی به خبرها

خبرهایی از جشنواره

آخرین نشست شورای سیاستگذاری جشنواره در واپسین روزهای اسفند ماه ۸۶ در دفتر مدیرکل امور فرهنگی وزارت علوم تحقیقات و فناوری تشکیل شد.

در این نشست پس از ارایه گزارش دبیر جشنواره از فعالیتهای انجام شده، آثار رسیده و شیوه داوری ها، دکتر اسلامی (مدیر کل امور فرهنگی وزارت علوم)، دکتر چیت سازیان (رییس انجمن علمی فرش و دبیر علمی جشنواره)، دلاور نژاد (کارشناس امور جشنواره های وزارت علوم) و باغبانی (نماینده معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه کاشان) به ارایه نظرات در راستای برپایی بهینه این رویداد فرهنگی هنری پرداختند.

تصمیم گیری درباره شیوه تقدیر از برگزیدگان، نوع برنامه ها، پوشش رسانه ای جشنواره و مسایلی از این دست از جمله مباحث مطروحه در این نشست بود.

سومین نشست خبری جشنواره سیزدهم اسفند ماه در ساختمان مرکزی وزارت علوم و چهارمین نشست خبری نیز بیست و چهارم فروردین ماه در دفتر انجمن علمی فرش ایران با حضور خبرنگاران خبرگزاری ها، مطبوعات و صدا و سیما برگزار شد.

در این دو نشست، ضمن گذری بر اهداف و برنامه های جشنواره، گزارشی از تعداد و کیفیت آثار رسیده به دبیر خانه، چگونگی انجام داوری ها و برنامه های پیش بینی شده برای اجرا در کاشان به اهالی رسانه ارایه شد.

همچنین در نشست آخر از سوی رییس انجمن علمی فرش ایران گزارشی از فعالیتهای این انجمن در ابعاد آموزش، تحقیقات، ترویج، مشاوره و فعالیت های دانشجویی نیز ارایه شد.

به منظور هماهنگی بیشتر و فعالتر در برگزاری جشنواره، افزون بر جلسات دبیرخانه و نیز شورای سیاستگذاری، نشستها و رایزنی های متعددی در تهران و کاشان صورت پذیرفته است.

تشکیل کمیته اجرایی جشنواره در دانشگاه کاشان، برپایی نشست هماهنگی مدیران و مسوولان ادارات و نهادهای شهرستان کاشان در دفتر ریاست دانشگاه کاشان، تشکیل کمیته های پذیرش و دبیرخانه، تبلیغات، انتشارات و روابط عمومی، اسکان و تغذیه، نمایشگاه و تالار مراسم، پشتیبانی، ایمنی و حراست، تشکیل کمیته دانشجویی جشنواره، هم اندیشی با اعضای کانون اندیشه جوان سپهری، تشکیل کمیته ویژه برپایی نمایشگاه در بازار قدیمی کاشان و... بخشی از این جلسات بوده است.

۳۰ نفر از داوران با تجربه و نام آشنا در رشته های مختلف به صورت تخصصی و جداگانه به داوری آثار راه یافته به بخش رقابتی جشنواره پرداختند که از برترینها به انتخاب این عزیزان در آیین پایانی جشنواره تقدیر خواهد شد.

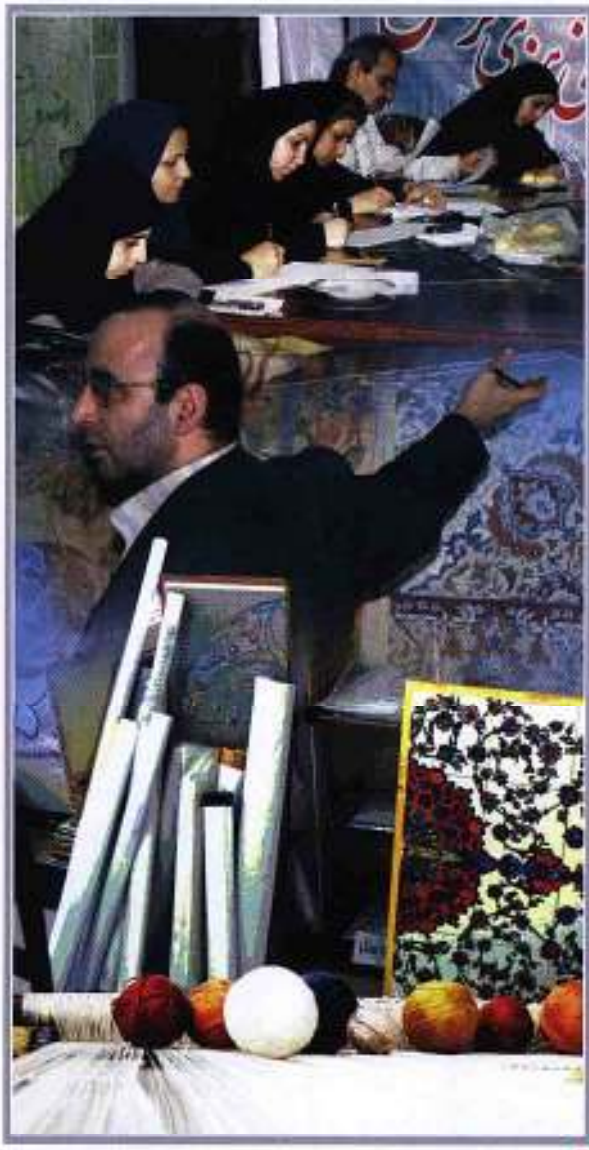

پوشش خبری رخدادهای جشنواره به شیوه‌ای مطلوب و مناسب پیگیری شده است و در این راه همکاری خبرگزاری ها، مطبوعات و پایگاه های اینترنتی شایسته ستودن است.

این همکاری پویا و تحسین برانگیز موجب آن شد تا دبیرخانه جشنواره تقدیر ویژه‌ای را برای خبرنگاران این حوزه تدارک ببیند.

دانشجویان و مهمانان جشنواره از نقاط مختلف کشور به مهمانی کاشان می آیند و شایسته است تا با فرش اصیل این منطقه آشنا شوند. از این رو نمایشگاهی از فرشهای نفیس کاشان در نیمچه امین الدوله واقع در بازار قدیمی این شهر برپا شده است.

مجموعه آثار برگزیده جشنواره به زودی به شکل کتاب و لوح فشرده منتشر و در اختیار علاقه مندان قرار خواهد گرفت.

در مجموع نزدیک به یک هزار اثر در قالبهای مختلف علمی، ادبی و هنری از سوی دانشجویان سراسر کشور به دبیر خانه جشنواره رسید که در این میان طراحی فرش، عکس، شعر و داستان بیشترین تعداد را دارا بودند.

در میان دانشجویان شرکت کننده در جشنواره که از مقطع کاردانی تا دکترا را شامل می شدند و از رشته های گوناگون به رقابت پرداختند، بیشترین مشارکت از آن دانشجویان دانشگاه های دولتی بوده و از نظر مقطع تحصیلی نیز دانشجویان دوره کارشناسی فعالترین حضور را داشته اند.

دایره المعارف فرش در راهست. این دایره المعارف با همکاری بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی و انجمن علمی فرش ایران و پشتیبانی نهادهایی همچون مرکز ملی فرش ایران و موسسه مطالعات بازرگانی تهیه خواهد شد.

در این زمینه و در حاشیه جشنواره فرهنگی، هنری فرش، نخستین کارگاه شیوه مقاله نویسی دایره المعارف در تاریخ جمعه ۸۷/۲/۶ در دانشگاه کاشان برگزار می شود.

در طول این چندماه که دبیرخانه جشنواره در تلاش برای تدارک برپایی بهینه جشنواره بوده است، چهره های بارز و شاخص بسیاری با تأیید این حرکت، مشوق ما در شکل دهی مطلوب این رویداد فرهنگی، هنری بودند. حجت الاسلام شاهی عربلو (نماینده مجلس شورای اسلامی)، مهندس شیرین صوراسرافیل (پژوهشگر فرش)، دکتر قوام شهیدی (رییس پیشین شرکت نمایشگاههای بین المللی)، دکتر مهرانگیز مظاهری (عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا)، دکتر محسن اسلامی (مدیرکل امور فرهنگی وزارت علوم) و مهندس غضنفری (معاون وزیر بازرگانی) در کنار پاسداشتی دیگر از جمله موبدان ما بودند.

ویژه نامه جشنواره فرهنگی، هنری فرش - شماره دوم - اردیبهشت ۸۷

● مدیر مسئول: محمدرضا عابد ● سردبیر: حمید کارگر ● مدیر اجرایی: داود شادلو ●
● هیأت تحریریه: امیر حسین چیت سازیان، محمد رضا عابد، حمید کارگر
● با همکاری: مرتضی لیموری، محمد حسن پور، زهرا رسولی، کتایون ملایی، زهره عابد، شیرین کیانی، منصوره مظفرنیا
● گرافیک و صفحه آرایی: دفتر گرافیک تندیس
● نشانی دبیرخانه جشنواره:
● تهران، خیابان شهید قرنی، نرسیده به پل کریمخان، پلاک ۱۸۵، ساختمان شماره ۵ وزارت بازرگانی، طبقه ۸، انجمن علمی فرش ایران
تلفن: ۸۸۸۲۷۱۲۵ نمابر: ۸۸۸۲۷۱۲۶
www.farsh.persiblog.com